

دوتا ۳۵۹	عهد جدید / ۳۲
	اول و دوم پطرس
S = معلم ۲ (تدریس توسط معلم ۲)	

(S) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه درس‌ها، فرصت خواهید یافت تا با کتاب مقدس بیشتر آشنا شوید. در برنامه امروز، رسالات اول و دوم پطرس را بررسی خواهیم کرد.

نکته ۱. نویسنده رسالات اول و دوم پطرس

رساله اول پطرس با این کلمات آغاز می‌شود: "از طرف پطرس، رسول و فرستاده عیسی مسیح." بدین ترتیب نویسنده خود را بعنوان شاگرد و رسول عیسی مسیح که پیشاپیش معرف حضور مردم است، معرفی می‌کند. چند دلیل وجود دارد که ثابت می‌کند نویسنده این رساله براستی پطرس، شاگرد و رسول عیسی مسیح بود.

اول. نویسنده، عیسی مسیح را دیده بود.

در اول پطرس ۱: ۸، نویسنده می‌گوید که مخاطبینش عیسی مسیح را ندیده بودند. این گفته تنها زمانی معنا پیدا می‌کند که خود نویسنده عیسی مسیح را دیده باشد. نویسنده در اول پطرس ۵: ۱ می‌گوید که شاهد مرگ مسیح بر روی صلیب بوده است. و در اول پطرس ۱: ۳ نیز به تأثیری که قیام مسیح از مردگان بر او داشت اشاره می‌کند. او می‌گوید که عیسی مسیح خداوند با برخاستن از مردگان، مسیحیان را دوباره مولود ساخت و امید حیات جاوید را به آنها بخشید.

دوم. "ارتباط نویسنده با مرقس در اورشلیم و روم"

در اول پطرس ۵: ۱۳، نویسنده از مرقس بعنوان "پسرش" یاد می‌کند و می‌گوید که اعضای کلیسا در روم به مخاطبین رساله سلام می‌رسانند. در اعمال ۱۲: ۵ می‌بینیم که پطرس بخوبی با مرقس آشنا بوده، زیرا نخستین مسیحیان کلیسای اولیه در اورشلیم در خانه مادر مرقس جمع می‌شدند و پطرس نیز قطعاً در آن جلسات شرکت می‌کرد. بعلاوه "بابل" یک اسم سمبولیک برای شهر بی‌خدای "روم" است. بنابراین این واقعات نیز ثابت می‌کند که پطرس نویسنده این رساله است.

سوم. "رساله دوم پطرس"

در رساله دوم پطرس نیز نویسنده خود را بعنوان "پطرس رسول" معرفی می‌کند. نویسنده در دوم پطرس ۱: ۱۶ - ۱۸ می‌گوید که در زمان تبدیل هیئت عیسی روی کوه همراه او بوده است، و او و شاگردان دیگر جلال عیسی را دیدند و صدای خدا را از آسمان شنیدند که می‌گفت: "این فرزند عزیز من است که از او بسیار خوشنودم." بعلاوه، نویسنده در سرتاسر رساله خود، انبیای کاذب و کسانی را که با تعریف کردن داستانهای ساختگی مسیحیان را فریب می‌دهند، به شدت محکوم می‌کند (۲: ۱ - ۳). بنابراین اگر این رساله را براستی خود پطرس ننوشته بود، دریافت‌کنندگان آن و نیز سنت مسیحی هیچگاه آن را بعنوان رساله‌ای که از آن پطرس است نمی‌پذیرفت.

نکته ۲. گیرندگان رسالات اول و دوم پطرس

بر اساس اول پطرس ۱: ۱، پطرس این رساله را خطاب به "مسیحیانی که خارج از اورشلیم در سراسر ایالات پونتوس، غلاطیه، کپدوکیه، آسیا و بیطینیا پراکنده‌اند و در این جهان غریب هستند" نوشت.

اول. "این منطقه عمدتاً شامل آسیای صغیر می‌شد."

بر روی نقشه می‌بینید که این ایالات روم، تقریباً تمام منطقه آسیای صغیر یا ترکیه امروزی را در بر می‌گیرند و دایره‌وار قرار گرفته‌اند. این بدان معناست که حامل نامه سفر خود را از پونتوس در شمال آغاز کرد، از غلاطیه به سمت جنوب شرقی بطرف کپدوکیه رفت، و سپس از آنجا راه غرب را در پیش گرفته، به آسیا سفر کرد و سرانجام به بیطینیا در شمال رسید. رساله پطرس احتمالاً در تمام کلیساهایی که در سراسر این مسیر طولانی وجود داشت، خوانده شد و از روی آن نسخه‌برداری بعمل آمد.

دوم. "گیرندگان رساله، پراکندگانی که در این جهان غریب خوانده شده‌اند."

اگرچه این کلمات در دوران عهدعتیق در مورد یهودیانی بکار می‌رفت که در میان اقوام بیگانه پراکنده بودند و در تبعید بسر می‌بردند، اما روشن است که پطرس در اینجا این کلمات را در مفهومی مجازی بکار می‌برد. منظور از "پراکندگانی که در این جهان غریبند" نه مسیحیان یهودی‌نژاد، بلکه عمدتاً مسیحیان غیریهودی بود که در سراسر آسیای صغیر پراکنده بودند. یکی از دلایلی که ثابت می‌کند این اصطلاح به مسیحیان یهودی‌نژاد اشاره ندارد، این است که هیچ مدرک تاریخی موجود نیست که نشان دهد در آن هنگام کلیساهایی متعلق به مسیحیان یهودی‌نژاد در آسیای صغیر وجود داشته است. به غیر از چند نفر که در واقعه پنطیکاست به مسیح ایمان آوردند (اعمال ۲: ۱۰)، تمام کلیساهای فعال در منطقه آسیای صغیر توسط پولس رسول و همکارانش تأسیس شده بود (اعمال فصلهای ۱۳ و ۱۴ و ۱۶). و اعضای این کلیساها را عمدتاً غیریهودیانی تشکیل می‌دادند که به مسیح ایمان آورده بودند. اگرچه در این کلیساها یهودیانی نیز بودند که مسیحی شده بودند، اما این عده در مسیحیان غیریهودی ادغام شده بودند و به اتفاق، یک کلیسای واحد را تشکیل می‌دادند. در اول پطرس ۱: ۱۸ و ۴: ۳ بوضوح می‌بینیم که مخاطبین این رساله غیریهودیان مسیحی‌شده هستند. آنان تا قبل از ایمان آوردن به مسیح، "زندگی پوچ و باطلی داشتند که از اجداد خود به ارث برده بودند." چنین چیزی به هیچ وجه در مورد یهودیان صدق نمی‌کرد، بلکه تنها در مورد غیریهودیان درست بود. آنان در گذشته "وقت خود را همراه خدانشناسان، صرف اعمال ناپاک کرده بودند و عمر خود را در بی‌بند و باری، شهوترانی، مستی، عیش و نوش، بت‌پرستی و گناهان شرم‌آور تلف نموده بودند." تقابلی که در اول پطرس ۴: ۳ - ۴ می‌بینیم نه بین یهودیان و غیریهودیان، بلکه بین غیریهودیان توبه‌کرده و غیریهودیان توبه‌نکرده است. بعلاوه، پطرس رسول در اول پطرس ۲: ۹ - ۱۰ خطاب به گیرندگان رساله می‌گوید: "شما برگزیدگان خدا، ... و قوم مقدس و خاص خدا می‌باشید... زمانی شما هیچ هویتی نداشتید، اما الآن فرزندان خدا می‌باشید؛ زمانی از رحمت و مهربانی خدا بی‌بهره بودید، اما الآن مورد لطف و

رحمت او قرار گرفته‌اید. این گفته پطرس تنها در صورتی معنا دارد که گیرندگان رساله، غیریهودبانی باشند که توبه کرده و به مسیح ایمان آورده‌اند (۲: ۲۵). پطرس رسول برای توصیف مخاطبین رساله خود، از یکی از اصطلاحات عهدعتیق استفاده می‌کند. تمام مسیحیان در مفهومی مجازی یا روحانی، «پراکنده، غریب و در تبعیدند» و بر روی این زمین پراکنده شده‌اند (عبرانیان ۱۱: ۸ - ۱۰). شبیه این گفته را در اول پطرس ۲: ۱۱ می‌بینیم که در آن پطرس اعلام می‌کند که «مسیحیان در این دنیا رهگذری بیش نیستند».

سوم. «گیرندگان رساله، ایمانی گرانبها یافته‌اند»

پطرس در دوم پطرس ۱: ۱ (از ترجمه قدیمی) می‌گوید که مخاطبین رساله‌اش «ایمان گرانبها را به مساوی ما یافته‌اند.» چنین تقابلی تنها می‌تواند به جدال بین مسیحیان یهودی‌نژاد و مسیحیان غیریهودی که در اعمال فصل ۱۵ توصیف شده، اشاره داشته باشد. مدت کوتاهی پس از آنکه اولین افراد از بین غیریهودیان به مسیح ایمان آوردند، برخی از مسیحیان یهودی‌نژاد کوشیدند این مسیحیان غیریهودی را به رعایت فرائض و تشریفات شریعت یهود نیز وادارند. در آن هنگام، پطرس رسول به صراحت اعلام داشت که تمام مردم، از جمله یهودیان، نه با عمل به شریعت، بلکه تنها از طریق ایمان نجات می‌یابند. حال پطرس رسول در این رساله خود بار دیگر بر این حقیقت مهم مهر تأیید می‌زند. مخاطبین غیریهودی رساله دوم پطرس نیز همان ایمان گرانبهایی را یافته بودند که پیشتر مسیحیان یهودی‌نژادی اورشلیم و سایر مناطق آن را یافته بودند. بنابراین چنین نتیجه می‌گیریم که مخاطبین رسالات پطرس عمدتاً مسیحیان غیریهودی بودند که در سراسر آسیای صغیر پراکنده شده بودند.

نکته ۳. تاریخ و محل نگارش رسالات اول و دوم پطرس

«رساله اول پطرس».

پطرس این رساله را «از شهر روم» نوشت (۵: ۱۳). اما ببینیم پطرس چه زمانی به روم رفت. در کولسیان ۴: ۱۰ (فلیمون ۱: ۲۲)، پولس می‌گوید که بار اول که بین سالهای ۶۰ - ۶۱ میلاد در روم زندانی بود، مرقس نیز همراه او بود، اما از پطرس هیچ نامی نمی‌برد. بنابراین پطرس احتمالاً در آن هنگام در روم نبود. اما در اول پطرس ۵: ۱۳، پطرس می‌گوید که بهنگام نگارش رساله اول خود، مرقس و سیلاس در روم همراه او بودند، اما از پولس هیچ نامی نمی‌برد. بنابراین پولس احتمالاً در آن هنگام در روم نبود. بنابراین پطرس احتمالاً رساله اول خود را پس از آنکه پولس در سال ۶۱ میلادی از زندان آزاد شد نوشت. پولس در این هنگام به کریت، آسیای صغیر و نیز احتمالاً به اسپانیا سفر کرده بود.

پطرس در روم از وضعیت کلیساهای آسیای صغیر باخبر شد. اگرچه بدرستی نمی‌دانیم که آیا پطرس هیچگاه شخصاً در منطقه آسیای صغیر فعالیت کرده بود یا نه، بعنوان یک رسول و وظیفه داشت به تمام کلیساها در هر جا که باشند رسیدگی کند. در اول پطرس ۲: ۱۹ - ۲۳ (۳: ۱۷) می‌خوانیم که مسیحیان بخاطر انجام اعمال نیک، به ناحق مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند. در اول پطرس ۴: ۱۲ - ۱۹ نیز می‌خوانیم که مسیحیان صرفاً به این خاطر که به مسیح ایمان داشتند، در آزمایشات سختی بودند و به آنها اهانت می‌شد. بنابراین اگرچه مسیحیان در روم و در سایر نقاط امپراتوری روم در این هنگام بخاطر ایمانشان در رنج و زحمت بودند، اما بنظر نمی‌رسد که هنوز بخاطر این ایمان به طرزی بیرحمانه به شهادت می‌رسیدند - نظیر آنچه بعنوان مثال در دوران جفاهای بیرحمانه نرون در سال ۶۴ میلاد شاهدیم. در دوران حکومت نرون امپراتور خونخوار روم، خود نرون عمداً شهر روم را به آتش کشید و وقتی شهروندان این شهر به خشم آمدند، مسیحیان را مقصر خواند و بیرحمانه به جفا و قتل‌عام آنها پرداخت. بر اساس سنن اولیه مسیحی، پطرس و پولس رسول هر دو حوالی سال ۶۴ میلادی در جریان جفاهای هولناکی که بدست نرون علیه مسیحیان صورت گرفت کشته شدند. اما تعلیم پطرس در مورد دولت روم چنان مصالمت‌آمیز و آشتی‌جویانه است که به احتمال بسیار زیاد این مطالب قبل از تابستان سال ۶۴ میلادی و آغاز موج جفاهای هولناک نرون علیه مسیحیان، نوشته شد.

بنابراین چنین نتیجه می‌گیریم که پطرس رساله اول خود را حوالی سالهای ۶۲ - ۶۳ میلادی از روم خطاب به کلیساهای مسیحیان غیریهودی نوشت که در سراسر آسیای صغیر یا ترکیه امروزی پراکنده بودند.

«رساله دوم پطرس».

در دوم پطرس ۳: ۱، پطرس به نامه اولی که پیشتر نوشته بود اشاره می‌کند. بنابراین پطرس رساله دوم خود را نیز خطاب به همان کسانی نوشت که گیرندگان رساله اول او بودند. در دوم پطرس ۳: ۴ می‌خوانیم که این رساله هنگامی نوشته شد که نسل «پدران» کسانی که اکنون حقیقت را به باد تمسخر گرفته بودند، بتدریج رو به زوال بود. بنابراین منظور به احتمال زیاد دهه شصت میلادی است، زیرا در این زمان است که می‌توان انتظار داشت اکثر کسانی که شخصاً عیسی مسیح را دیده و سخنانش را شنیده بودند و یا در واقعه نزول روح‌القدس در روز پنطیکاست حضور داشتند (اعمال ۲: ۹)، رفته رفته بعلت کهولت سن از دنیا بروند. این نسل «پدران» در سالهای دهه سی میلادی درمورد بازگشت مسیح شنیده بودند، و حال اولین نسل از ایمانداران مسیحی که به بازگشت مسیح اعتقاد داشتند و تمسخرکنندگانی که به این اعتقاد آنها می‌خندیدند، بتدریج می‌مردند بی‌آنکه مسیح بازگشته باشد. و بالاخره در دوم پطرس ۱: ۱۴، پطرس می‌گوید که می‌داند بزودی کشته خواهد شد. بنابراین چنین نتیجه می‌گیریم که پطرس احتمالاً رساله دوم خود را در حدود سال ۶۳ یا اوایل سال ۶۴ میلاد نوشت.

نکته ۴. تقسیم‌بندی رسالات اول و دوم پطرس

«رساله اول پطرس».

می‌توان این عنوان را برای رساله اول پطرس در نظر گرفت: «توصیه به داشتن زندگی مقدس در اوج زحمات». رساله اول پطرس را می‌توان به پنج بخش تقسیم‌بندی کرد: بخش اول. اول پطرس ۱. مسیحیان از امیدی زنده برخوردارند. مسیحیان باید زندگی مقدسی داشته باشند.

بخش دوم. اول پطرس ۲. مسیحیان قوم خدا هستند. مسیحیان باید مطیع مقامات زمینی باشند.
بخش سوم. اول پطرس ۳. مسئولیتهای زنان و شوهران. رنج و زحمت بخاطر نیکوکاری.
بخش چهارم. اول پطرس ۴. مسئولیت مسیحیان مبنی بر اینکه برای خدا زیست کنند و تنها او را خدمت نمایند. رنج و زحماتی که مسیحیان بخاطر ایمانشان متحمل می‌شوند.
بخش پنجم. اول پطرس ۵. مسئولیتهای پیران کلیسا، و نیز مسئولیتهای جوانان. رنج و زحماتی که شیطان موجب آن است.
“رساله دوم پطرس”.

می‌توان این عنوان را برای رساله دوم پطرس در نظر گرفت: “توصیه به غالب آمدن بر معلمین دروغین از طریق داشتن زندگی مقدس”. رساله دوم پطرس را می‌توان به سه بخش تقسیم‌بندی کرد:
بخش اول. دوم پطرس ۱. توصیف برکاتی که مخصوص مسیحیان است. مسئولیت مسیحیان مبنی بر عمل کردن به ایمانشان، و خصوصیات روحانی که باعث می‌شود لغزش نخورند.
بخش دوم. دوم پطرس ۲. خدانشناسی معلمین دروغین و مجازات وحشتناکی که در انتظار آنهاست.
بخش سوم. دوم پطرس ۳. معلمین دروغین که حقیقت را به باد تمسخر می‌گیرند، و حتمی بودن داوری نهایی و احیای زمین. توصیه به داشتن زندگی مقدس و خدایسندانه.

نکته ۵. مناسبت، هدف و پیام اصلی رساله اول پطرس

اول. “رساله اول پطرس به خطری که در خارج از کلیساست، یعنی به موضوع جفا می‌پردازد.”
مسیحیان عمدتاً غیریهودی در سراسر آسیای صغیر با شرایط دشواری مواجه بودند (۱: ۷؛ ۴: ۱۲). آنان برآستی تحت جفا بودند، و این جفا احتمالاً بیشتر از جانب کسانی بود که از نزدیک و بطور روزمره با مسیحیان در تماس بودند. خدمتکاران مسیحی از سوی اربابان بت‌پرست خود مورد آزار واقع می‌شدند (اول پطرس ۲: ۱۸ - ۲۰)، و همسران مسیحی نیز مورد آزار و اذیت شوهران بی‌ایمانشان قرار می‌گرفتند (۳: ۱ - ۲). خانواده‌های مسیحی از سوی همسایگان بی‌ایمان خود تحت جفا بودند، زیرا حاضر نبودند از زندگی گناه‌آلود همسایگان بت‌پرست خود پیروی کنند (۴: ۳ - ۴)، بلکه مصمم بودند که در میان همسایگان خدانشناس خود، زندگی خدایسندانه‌ای داشته باشند تا خدا جلال یابد (۲: ۱۲). خلاصه آنکه مسیحیان بخاطر ایمانشان تحت جفا بودند (۴: ۱۶).

اما این جفاها سبب گردید که برخی از مسیحیان در ایمان خود لغزش بخورند. مسیحیان انتظار داشتند که با ایمان آوردن به مسیح وضع زندگی‌شان بهتر شود، و تنها چیزی که انتظار نداشتند، جفا و رنج و زحمت بود (۴: ۱۲). از این رو، زندگی گناه‌آلود و دنیوی گذشته‌شان رفته رفته بار دیگر آنها را به خود جذب کرد. به همین جهت پطرس رسول ناچار شد مجدداً به آنها توصیه کند که زندگی مقدس و خدایسندانه‌ای داشته باشند (۱: ۱۴ - ۱۶؛ ۲: ۱۱ - ۱۲؛ ۴: ۲ - ۴).

هدف رساله اول پطرس این بود که مسیحیان را در سختی‌ها تقویت کند، درمورد لغزش خوردن و بازگشت به زندگی گناه‌آلود سابق به آنها هشدار دهد، آنها را به داشتن زندگی مقدس و خدایسندانه ترغیب کند، و به آنان توصیه نماید که در زحمات همان رویه‌ای را در پیش گیرند که عیسی مسیح هنگامی که به او جفا رساندند در پیش گرفت، و با امیدی تزلزل‌ناپذیر منتظر بازگشت عیسی مسیح باشند.

دوم. “پطرس رسول بویژه تعلیم می‌دهد که رنج و زحمت، نقشه‌های درک‌ناپذیر خدا را عملی می‌سازد”
یک. “رنج و زحمت ایمان را پاک و خالص می‌سازد و باعث می‌شود زندگی مقدسی داشته باشیم.” آزمایشات گوناگونی که مسیحیان بر روی این زمین با آن مواجه‌اند، باعث می‌شود که ایمان آنها خالص و واقعی‌تر شود و بدین ترتیب خدا بر زمین جلال بیابد (۱: ۷). این سختی‌ها به فرد ایماندار انگیزه می‌دهد تا بر روی این زمین زندگی مقدس و خدایسندانه‌ای داشته باشد (۱: ۱۵). مسبب رنج و زحمت، شیطان است (۵: ۸)، اما در اول پطرس ۴: ۱۹ می‌خوانیم که رنج و زحمت هیچگاه بدون اجازه خدا و خارج از اراده مطلق و مقتدر او اتفاق نمی‌افتد. این واقعیت که ایمانداران به مسیح در هر جای دنیا که باشند دچار رنج و زحمت خواهند شد (۵: ۹) باید باعث شود که مسیحیان تشویق و دلگرم شده، بدانند که رنج و زحمت امری غیرطبیعی نیست. رنج و زحمت باعث می‌شود که مسیحیان در ایمان خود قوی‌تر شوند و تا هنگام بازگشت مسیح ایمانشان را حفظ کنند (۵: ۱۰).

دو. “مسیحیان باید در قبال زحمات همان شیوه‌ای را در پیش گیرند که عیسی مسیح هنگامی که به او جفا می‌رساندند در پیش گرفت.” اول پطرس ۲: ۲۱ - ۲۳ به ما تعلیم می‌دهد که واکنش عیسی مسیح در قبال رنج و زحمات، الگویی است که مسیحیان باید به‌نگام رویارویی با سختی‌ها از آن سرمشق بگیرند. وقتی به عیسی مسیح توهین شد، انتقام نگرفت و وقتی به او جفا رساندند، تهدید نکرد. بلکه در عوض، خود را بدست خدایی سپرد که جفاکنندگان را عادلانه داوری خواهد کرد. به همین جهت، مسیحیان نیز نباید در صدد انتقامجویی برآیند یا دیگران را تهدید کنند. بلکه باید وضعیت دشواری را که با آن دست به گریبانند به خدا بسپارند و مطمئن باشند که او در وقت معین کسانی را که به آنان جفا می‌رسانند، داوری خواهد کرد. مسیحیان در تمام مدت رنج و زحمت، هیچگاه نباید حقیقت ایمان مسیحی را ترک کنند (۱: ۲۲)، بلکه باید با وفاداری شاهی برای عیسی مسیح باشند (۳: ۱۵ - ۱۶). مسیحیان باید در جفاها و سختیها همواره محبت مسیحی را حفظ کنند و گناهان بیشمار دیگران را ببوشانند (۱: ۲۲؛ ۴: ۸). مسیحیان باید در تمام دوران جفا، بی‌عیب بمانند و هیچگاه کاری نکنند که باعث شود غیرمسیحیان از آنها انتقاد کنند یا آنان را مقصر بخوانند (۲: ۱۸ - ۲۰؛ ۳: ۱۷؛ ۴: ۱۵ - ۱۶).

سه. “رنج و زحمت در این دنیای کنونی، به جلال ابدی به‌نگام بازگشت مسیح منتهی خواهد شد.” رنج و زحمت باعث می‌شود که مسیحیان مشتاقانه در انتظار بازگشت مسیح باشند. آنان با تحمل جفا و رنج و زحمت در دنیای فعلی، به‌نگام بازگشت مسیح فیض (۱: ۱۳)، خوشی (۴: ۱۳) و تاج جلال را دریافت خواهند داشت.

نکته ۶. مناسبت، هدف و پیام اصلی رساله دوم پطرس

اول. "رساله دوم پطرس به خطری که در داخل کلیساست، یعنی به معضل معلمین دروغین می‌پردازد." این معلمین تعالیم غلط می‌دادند و تعالیم واقعی مسیحیت را به باد تمسخر می‌گرفتند. هدف اصلی پطرس این بود که ایمانداران را در برابر خطر این معلمین دروغین و تعالیم ارتدادگونه‌ای که می‌دادند، حفظ و تقویت کند. کلیسای مسیح در سراسر جهان با خطر معلمین دروغین و تعالیم کاذبشان مواجه است. نبرد مرئی بین کلیسای مسیح و این دنیای شریر که معلمین دروغین نیز جزئی از آنند، نمایانگر نبرد نامرئی است که بین عیسی مسیح و شیطان در جریان است. در سراسر دوران عهدعتیق همیشه انبیای دروغین وجود داشته‌اند، و در دوران عهدجدید نیز همواره معلمینی دروغین وجود خواهند داشت. پطرس رسول در این رساله به مسیحیان هشدار می‌دهد که این معلمین دروغین به کلیساهای آسیای صغیر نیز خواهند آمد.

دوم. "فصل ۲ می‌گوید که معلمین دروغین را از روی زندگی، نحوه عملکرد، و تعالیشان می‌توان شناخت."

یک. "از لحاظ زندگی، معلمین دروغین زندگی غیراخلاقی را در پیش می‌گیرند." آنان از خواسته‌های ناپاک طبیعت گناه‌آلودشان پیروی می‌کنند که ویژگی بارز آن، بی‌بند و باری جنسی است (۲: ۱۰). آنچه به آنان انگیزه می‌دهد، خوشگذرانیهای گناه‌آلود و عیش و نوش و میگساری است (۲: ۱۳). معلمین دروغین نگاهی ناپاک دارند و پیوسته دیگران را اغوا می‌کنند (۲: ۱۴). آنان به گناهان و اعمال ناپاک خود می‌بالند و کسانی را که بتازگی از چنین زندگی گناه‌آلودی نجات یافته‌اند، مجدداً به دام گناه می‌کشانند (۲: ۱۸).

دو. "از لحاظ نحوه عملکرد، ویژگی بارز معلمین دروغین، حرص و طمع است" (۲: ۱۴). معلمین دروغین تعالیم گمراه‌کننده خود را با نیرنگ و دروغ در میان مسیحیان رواج می‌دهند. آنان بواسطه حرص و طمع خود، مسیحیان ساده‌لوح و بی‌خبر را با داستانهای ساختگی فریب می‌دهند و بدین گونه از آنها سوءاستفاده می‌کنند (۲: ۳). این معلمین دروغین مخصوصاً به سراغ مسیحیان بی‌اراده می‌روند (۲: ۱۴).

سه. "معلمین دروغین از لحاظ تعالیم، تابع هیچ قدرتی نیستند" (۲: ۱۰). آنان پیش از هر چیز، سرور و خداوند خود را که در ابتدا به او ایمان داشتند، انکار می‌کنند (۲: ۱). همچنین اقتدار و مرجعیت کتاب‌مقدس و تعالیم راستین آن را خوار می‌شمرند و با اینکار، باعث می‌شوند که حقیقت خدا بدنام شود و مورد بی‌حرمتی قرار گیرد (۲: ۲). این معلمین دروغین، متکبران هر چه را که نمی‌فهمند تمسخر می‌کنند و درمورد آن کفر می‌گویند (۲: ۱۲). آنان ناراستی و نادرستی را تعالیم می‌دهند (۲: ۱۵)، و بالاخره، تعالیم کتاب‌مقدس مبنی بر بازگشت مسیح را به باد تمسخر می‌گیرند (۳: ۳ - ۴).

معلمین دروغین و مردم خدانشناس فصل ۲، همان کسانی هستند که در فصل ۳ حقیقت را به تمسخر می‌گیرند. توجه داشته باشید که "بین اعتقادات شخص و نحوه زندگی او ارتباطی مستقیم وجود دارد." این معلمین دروغین حقایق کتاب‌مقدس را وارونه جلوه می‌دادند تا گناهان خود را توجیه کنند. و از آنجا که در گناه زندگی می‌کردند، این واقعیت را که مسیح روزی بازمی‌گردد تا هر نوع بدی و شرارتی را مورد داوری و مجازات قرار دهد، منکر می‌شدند. و بدین ترتیب سعی می‌کردند خودشان را متقاعد کنند که هیچ داوری یا مجازاتی در انتظارشان نیست. اما تنها خودشان را فریب می‌دادند. در پس هر زندگی شرورانه و دور از خدایی همیشه تفکر و نگرشی شرورانه و گناه‌آلود نهفته است. تاریخ گذشته ثابت می‌کند که خدا بدون شک شریران را داوری خواهد کرد و عادلان را رستگار خواهد ساخت (۲: ۴ - ۹). بنابراین، معلمین دروغین و افراد خدانشناس بی‌تردید بخاطر گناهانی که مرتکب شده‌اند، جزا خواهند دید (۲: ۱۳).

سوم. "فصل ۳ می‌گوید که روز داوری الهی و روز احیای زمین برآستی فرا خواهد رسید."

همانطور که دنیای زمان نوح داوری شد و توسط طوفان نابود گردید، دنیای گناه‌آلود کنونی نیز توسط آتش نابود خواهد شد (۳: ۶ - ۷). بدکاران، همگی هلاک خواهند گردید (۳: ۷)، و زمین جدید تنها مسکن عادلان خواهد بود (۳: ۱۳). علت اینکه چرا تمامی اینها بلافاصله رخ نمی‌دهد این است که خدا نمی‌خواهد هیچیک از گیرندگان این رساله هلاک شوند، بلکه می‌خواهد که همگان توبه کنند. به محض آنکه برنامه نجات خدا کامل شد، روز داوری فرا خواهد رسید (۳: ۹). بنابراین مسیحیان باید نهایت تلاش خود را بکنند که زندگی پاک و خدایسندانه‌ای داشته باشند (۳: ۱۱ و ۱۴).

چهارم. "فصل ۱ می‌گوید که مسیحیان باید ایمان خود را در عمل پیاده کنند تا دچار لغزش نشوند."

مسیحیان هر چه را که برای داشتن یک زندگی مقدس و خدایسندانه بدان نیاز دارند، دریافت کرده‌اند (۱: ۳ - ۴). اما این مسئولیت نیز به آنان داده شده است که تمام خصلت‌های خوب مسیحی را نیز به ایمان خود بیفزایند - یعنی خصلت‌هایی چون نیکویی، شناخت، خویشتنداری، صبر، دینداری، و محبت برادرانه (۱: ۵ - ۷). مسیحیان تنها زمانی می‌توانند از دعوت و برگزیدگی خود مطمئن باشند که از لحاظ روحانی رشد کنند و میوه بیاورند (۱: ۸ - ۱۱). بدون رشد روحانی و ثمردهی، هیچگاه اطمینان نجات میسر نخواهد بود.

تکلیف برای هفته آینده

- اول.** در طول هفته آینده، سه رساله یوحنا را بخوانید. هفته بعد، به معرفی رسالات یوحنا خواهیم پرداخت.
- دوم.** کتابهای دستورعمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار می‌کنم
- سوم.** هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش دهید.